



آفتاب در خاک

بازخوانی گزارشی از لحظات مراسم خاکسپاری امام



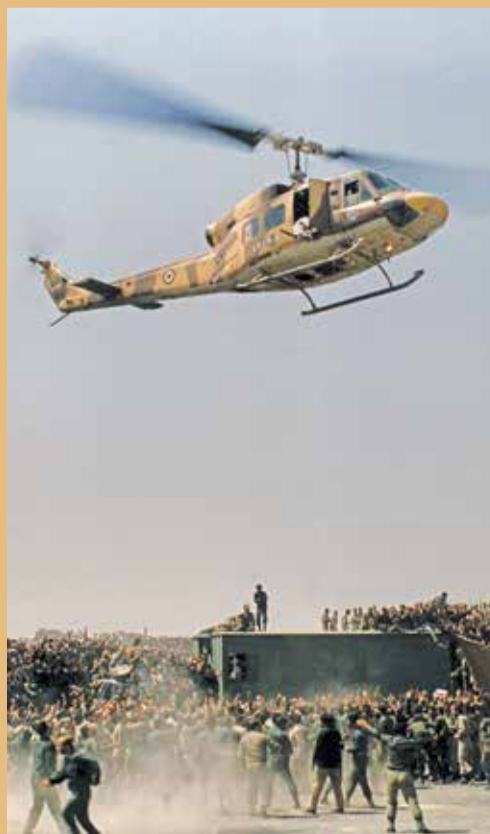
ساعت ۱۶ و ۴۰ دقیقه روز سه‌شنبه شانزدهم خرداد ۱۳۶۸ برای همیشه در سینه تاریخ جاودانه شد تا یاد آور پایان حماسه زندگی ابرمردی از سلاله پاک پیامبران باشد. انسان والایی که سراسر عمر پُر برکت خویش را وقف بیداری مظلومان و مستضعفان کرد و آتی از تلاش در راه دستیابی به اهداف والای خویش غافل نشد. عصر روز شانزدهم خرداد پیکر رهبری که پشت و پناه میلیون‌ها انسان ستمدیده بود، سرانجام پس از سالها مجاهدت، در آرامگاه همیشگی خویش آرام گرفت.



آفتاب محو آفتاب

مانع از اجرای مراسم دفن گردیده است. اکنون فضای مربع شکل آرامگاه با تلاش مأموران انتظامی که اکثریت آنها نیروهای کمپته و سپاه هستند، تا حدود زیادی خلوت‌تر از صبح به نظر می‌رسد. در پایین کانتینرها نیمکت‌هایی دیده می‌شوند که عده زیادی از مستولان و شخصیت‌های مملکتی به همراه عده‌ای از خانواده شهداروی آنها نشسته‌اند. مقبره‌ای که قرار است پیکر پاک امام امت در آن دفن شود از ساعتها پیش آماده شده است. در داخل مقبره پیرمردی روی خاک‌ها نشسته و آثار تأثر در چهره‌اش پیداست. نامش را که از برادران کمپته می‌پرسیم می‌گویند حاج عباس اربابی است که مرحوم آیت‌الله طالقانی را هم او دفن کرده است. آفتاب چنان بر محوطه حرم امام می‌تابد که در شرایط عادی به سختی می‌توان گرمای آن را تحمل کرد، اما الان در این وانفاس‌تها چیزی که آدم به یادش نمی‌افتد آفتاب است و گرمای آن.

«در فاصله چهار پنج متری مقبره امام و از ارتفاعی حدود یک و نیم متر، ما شاهد تمام جزئیات به خاکسپاری پیکر مطهر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران و پرچمدار حماسه بهمن ۵۷ بودیم. در ضلع غربی بهشت زهرا، جایی که هنوز در محدوده آن قرار ندارد، یک فضای مربع شکل با اضلاعی به طول تقریبی ۱۵۰ متر که با چندین دستگاه کانتینر محصور شده، حریم مقبره امام امت را تشکیل می‌دهد. در ازدحام بی‌سابقه جمعیت حاضر در بهشت زهرا و مناطق اطراف، وقتی ما با زحمت زیاد تقریباً از دست مأموران انتظامی که هیچ توجهی به کارت ویژه خبرنگاری مراسم ندارند فرار می‌کنیم تا به داخل محوطه آرامگاه حضرت امام وارد شویم. ساعت از دو و نیم بعدازظهر گذشته است. پیش از ظهر یک‌بار پیکر مطهر حضرت امام به وسیله هلیکوپتر به این منطقه منتقل شده، اما ازدحام بی‌حد مردم و هجوم به طرف تابوت حامل پیکر مطهر امام



لحظه تاریخی نزدیک می‌شود

می‌شود. مأموران کمپته و سپاه تلاش می‌کنند که وسط صحن مدفن را برای اجرای مراسم آماده کنند. گرد و خاک ناشی از فرود هلیکوپتر سر و روی همه حاضران در صحن را پوشانده. ساعت ۱۴ و ۵۵ دقیقه است. هلیکوپترها هنوز بالای فضای در حال دور زدن هستند. عده‌ای از خواهران که از ساعتها پیش در گوشه‌ای از صحن مدفن جای گرفته بودند، به سرعت به سمت دیگر آن منتقل می‌شوند. آقای انصاری از اعضای دفتر امام در حالی که مرتب به این طرف و آن طرف می‌رود مطالبی را به افراد مختلف تذکر می‌دهد. هلیکوپترها مدام بالای فضای صحن دور می‌زنند، عقربه‌های ساعت دقیقاً ۳ بعدازظهر روز سه‌شنبه شانزدهم خردادماه را نشان می‌دهند. بالای کانتینرهایی که دور فضا را گرفته و فضای مدفن را از بقیه قسمت‌ها جدا می‌کند مملو از جمعیتی است که حالا شروع به سینه‌زدن می‌کنند و با آهنگی محزون می‌خوانند: میهمان برایت آمده فاطمه، پیر جماران آمده فاطمه.

یک نوع انتظار عجیب و ناراحت‌کننده همه را فرا گرفته. فعالیت بی‌امان فیلمبرداران، عکاسان و خبرنگاران برای آماده‌شدن جهت ثبت لحظه به لحظه مراسم دفن، تمام این محوطه مربع شکل را پر کرده است. هلیکوپتر یک‌بار دیگر در ساعت ۱۴ و ۵۰ دقیقه چرخش بر فراز صحن مدفن حضرت امام می‌زند. وسط محوطه تا حدی برای اجرای مراسم دفن خلوت شده، اما در بیرون از آن غوغایی برپاست. مردم بشدت فشار می‌آورند که به هر قیمتی شده خود را وارد این محوطه کنند. نیروهای انتظامی با تلاش بی‌امان به سختی می‌توانند از ورود آنها جلوگیری کنند. یک هلیکوپتر رأس ساعت ۱۴ و ۵۲ دقیقه در محوطه به زمین می‌نشیند. چند نفر از شخصیت‌ها به هلیکوپتر نزدیک می‌شوند و بلافاصله بعد از دو دقیقه هلیکوپتر مجدداً به پرواز درمی‌آید، دو هلیکوپتر دیگر در بالای فضای صحن می‌چرخند. افراد حاضر در محوطه در هیجان بی‌امانی به سر می‌برند. لحظه تاریخی نزدیک

